


# Analysis of Kiyomarth's cover from the point of view of his mythical dignity in the Shahnameh of Paris 953 AH.

ISSN (P): 2980-7956  
ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.492368.1107

**Nafiseh Zamani** \* 

\* Lecturer at Clothing Design department, Faculty of Art, National University of Skill, Tehran, Iran.  
**Email:** artimis.yonan@gmail.com

**Citation:** Zamani. N. (2025), "Analysis of Kiyomarth's cover from the point of view of his mythical dignity in the Shahnameh of Paris 953 AH.", *Journal of Interdisciplinary Studies of Visual Arts*, 2025, 3 (6), P. 29-44

**Received:** 05 December 2024

**Revised:** 05 February 2025

**Accepted:** 07 April 2025

**Published:** 07 April 2025

## Abstract


Kiyomarth is one of the legends of ancient Iran, whose status is shown in Ferdowsi as the first king. Although the story of the kingdom of Kiyomarth is short in the Shahnameh, but the mythological position of Kiyomarth has attracted the attention of painters for artistic rendering. Most of the artists in different schools of painting have designed him as wearing a leopard, as Ferdowsi said. Due to the clarity of the image, the picture of Kiyomarth court is a suitable example for research in the direction of Kiyomarth clothing. In the mentioned picture, Kiyomarth is sitting on a throne in the middle of a crowd and all of them are wearing leopard print. Now, the question is, what kind of dignified rank of people in the story of Kiyomarth does the cover of the figures of the court of Kiyomarth in the Shahnameh of Paris 953 A.H. show? It is assumed that the artist of the painting of the court of Kiyomarth in the Shahnameh of Paris in 953 A.H. used clothes to show the legendary dignity of Kiyomarth. The purpose of the present research is to investigate the form of clothing of the figures in the painting of Kiyomarth court in order to analyze the relationship of clothing with the mythological status of Kiyomarth. The current research is documentary-analytical and the method of collecting information is library. Research in the field of mythological clothing will be efficient in the studies of mythology and sociology. The results of the research acknowledge that the artist of the Safavid era used clothes as a symbol to show the existential dignity of Kiyomarth and his people.


**Keywords:** Mythology, Kiyomars, Safavid, Shahnameh 953 AH. Paris, Clothing.

## جایگاه پوشش کیومرث از منظر منزلت اسطوره‌ای او در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس

ISSN (P): 2980-7956

ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.492368.1107

نقیسه زمانی  \*

مربی طراحی پوشاک، دانشکده هنر، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران  
Email: artimis.yonan@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

### چکیده

کیومرث یکی از اساطیر ایران باستان است که در شاهنامه فردوسی به عنوان اولین پادشاه از او یاد می‌شود. گرچه داستان پادشاهی کیومرث در شاهنامه کوتاه است، اما مقام اساطیری کیومرث توجه هنرمندان نگارگر را برای هنرنمایی به خود جلب کرده است. بیشتر هنرمندان در مکاتب مختلف نگارگری او را چونان که فردوسی فرموده، پلنگینه پوش طراحی کرده‌اند. نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس به جهت وضوح تصویر نمونه مناسبی برای پژوهش در راستای پوشاک کیومرث است. در نگاره مذکور کیومرث در میان جمعی بر تختگاهی نشسته است و همگی پلنگینه پوش هستند. حال سؤال این است که پوشش پیکره‌های نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس چگونه منزلت افراد را در داستان کیومرث به نمایش می‌گذارد؟ فرض بر آن است که هنرمند نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس از پوشاک برای نمایش منزلت اسطوره‌ای کیومرث بهره برده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی فرم پوشش پیکره‌ها در نگاره بارگاه کیومرث به منظور واکاوی ارتباط پوشاک با منزلت اسطوره‌ای کیومرث است. پژوهش پیش‌رو ماهیت توصیفی-تحلیلی دارد و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. شایان ذکر است که تحقیق در حوزه پوشاک اساطیری در مطالعات اسطوره‌شناسی و جامعه‌شناسی کارآمد خواهد بود. نتایج تحقیق بر این نکته اذعان دارد که هنرمند عصر صفوی از پوشاک به عنوان نمادی برای نمایش منزلت وجودی کیومرث و اطرافیانش بهره برده است.

**کلیدواژه‌ها:** اساطیر، کیومرث، هنر صفوی، نگارگری، شاهنامه ۹۵۳ ه.ق. پوشش.

## ۱. مقدمه

تمدن‌ها دوران اساطیری را در تاریخ خویش پشت سر گذاشته‌اند و در دوران اساطیری همواره اولین آفریده‌ای وجود داشته است. «یونگ بر آن است که انسان نخستین، آفریده‌ای مقدس است و او را پادشاه ایزدی و توأمان ایزدی می‌خواند» (یونگ، ۱۳۸۳، ص ۳۱). از آنجا که اولین انسان از خاستگاه ایزدی جدا می‌شود و پای به حیات دنیوی می‌گذارد بنابراین دارای اصلی لاهوتی است که در روند تکامل زیست خود در دنیا به مرتبهٔ پدر یک قوم یا تمدن تبدیل می‌شود (بهدانی، ۱۳۹۳، ص ۴۵). بر این اساس کیومرث نخستین انسان در اساطیر ایرانی نامیده شده است. «برابر اوستا کیومرث نخستین کسی است که به گفتار و آموزش اهورامزدا گوش فرا داد و اوست مؤسس خانواده ایرانی و نژاد ایران از پشت اوست و رسم پرستش از او بماند.» (رمضان‌کیایی و منصوب‌بصری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰). مقام کیومرث در شاهنامه فردوسی به صورت اولین پادشاه هویدا می‌شود. شخصیت کیومرث در هنر نگارگری نیز بازتاب داشته است. شاهنامه مصور ۹۵۳ ه. ق پاریس از آثار نگارگری عصر صفوی می‌باشد که سومین نگارهٔ آن بارگاه کیومرث نام دارد. در نگاره مذکور کیومرث در میان جمعی از پیکره‌ها بر تختگاهی نشسته است و همگی پوششی پلنگینه بر تن دارند. از آنجا که تحقیق در حوزه پوشاک اسطوره‌ها در مطالعات اسطوره‌شناختی و جامعه‌شناسی کارآمد است پژوهش پیش رو با هدف بررسی فرم پوشش پیکره‌ها در نگارهٔ بارگاه کیومرث به منظور واکاوی ارتباط پوشاک با منزلت اسطوره‌ایی کیومرث به رشته تحریر درآمد. حال سؤال این است که پوشش پیکره‌های نگارهٔ بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق پاریس چگونه منزلت افراد را در داستان کیومرث به نمایش می‌گذارد؟ فرض بر آن است که نگارگر بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق پاریس از پوشاک برای نمایش منزلت اسطوره‌ایی کیومرث بهره برده است. نگارنده ابتدا شرح مختصری از شخصیت کیومرث از منظر اسطوره‌شناختی ذکر می‌کند و سپس داستان کیومرث را در شاهنامه فردوسی توضیح می‌دهد و سپس به توصیف و تحلیل پوشاک در نگارهٔ بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق پاریس می‌پردازد.

## پیشینه تحقیق

برای پژوهش با عنوان پیش‌رو دو دسته منابع مورد نیاز است. گروه اول منابعی در راستای نگارگری بارگاه کیومرث است. پژوهشی از مجید بهدانی با عنوان «بارگاه کیومرث بررسی تطبیقی عناصر بصری هفت نگاره با موضوع واحد» (۱۳۹۳) نیز به چاپ رسیده است. در مقاله مزبور نگارنده هفت شاهنامه مصور را از قرون ۹ و ۱۰ هجری مربوط به مکاتب مختلف برگزیده است و ویژگی‌های بصری نگاره‌ها را بررسی کرده و به پوشاک پیکره‌ها نیز اشاره کرده است اما اولاً در میان نسخ مورد پژوهش وی، شاهنامه ۹۵۳ ه. ق پاریس دیده نمی‌شود و دوماً او تنها به فرم پوشاک پیکره‌ها و تطبیق اختصاری آن با پوشاک تاریخی دوره مصورسازی نسخه اشاره کرده است و به واکاوی آن از منظر منزلت پیکره‌ها نپرداخته است. پژوهشی با محوریت نگارهٔ پادشاهی کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق پاریس به عنوان منبع بالادست یافت نشد اما از دسته مقالات مرتبط با آن می‌توان به مقاله «بازنمود عناصر و مفاهیم هستی در نگارهٔ بارگاه کیومرث شاهنامه تهماسبی» (۱۴۰۲) از آل ابراهیم دهکردی و موسوی‌لر، به چاپ رسیده است که پژوهشگران با هدف کشف عوامل هستی‌ساز و بررسی نمادهای عناصر هستی در نگاره مزبور پژوهش خویش را انجام داده‌اند (آل ابراهیم دهکردی و موسوی‌لر، ۱۴۰۲، ص ۷) و همانطور که ذکر شد نمونه موردی آنان شاهنامه تهماسبی بوده و همچنین به فرم پوشش کیومرث از منظر منزلت اسطوره‌ای او اشاره‌ای نکرده‌اند. دستهٔ دوم منابعی است که حول محور شخصیت کیومرث از منظر اسطوره‌شناختی اطلاعاتی کارآمد به خواننده می‌دهد. در این حوزه مقاله «کیومرث گل‌شاه» را می‌توان نام برد که پژوهشگر با مطالعه در اسناد باستانی و تاریخی اطلاعاتی در مورد آفرینش کیومرث به مخاطب می‌دهد (مدرسی، ۱۳۸۴). همچنین مقاله «بازخوانی اجتماعی اسطوره کیومرث با تکیه بر میدان فرهنگی ایران» که نویسندگان در بخش‌های اولیه پژوهش به ذات وجودی کیومرث می‌پردازند (دشت‌خاکی و همکاران، ۱۳۹۸). مقاله «داستان آفرینش انسان از منظر اسطوره‌شناختی تطبیقی» که نگارنده از داستان آفرینش در

دین زرتشت آغاز می‌کند و کیومرث را به عنوان پیش‌نمونه انسان معرفی می‌کند (رسولی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱. کیومرث

کیومرث به عنوان اولین انسان در اساطیر ایران شناخته می‌شود، در اوستا «گیومرتان<sup>۱</sup>» به معنای جان‌میرا و زندگی و در متون پهلوی «گیومرت<sup>۲</sup>» (مدرسی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). و در فارسی میانه «گیومورد<sup>۳</sup>» و «گیومرد<sup>۴</sup>» خوانده می‌شود (Boyce, 1977, p. 43). کیومرث ششمین مخلوق اهورامزدا است، پیش از او گاو یکتا پنجمین آفریده اهورامزدا خلق می‌شود (دادگی، ۱۳۶۹، ص ۴۰). «اورمزد گاو یکتا آفریده را در ایران ویج - سرزمین اصلی ایرانیان - در میان جهان و در کناره‌ی رود اساطیری دائیتی، در ساحل راست آن آفرید و کیومرث را در ساحل چپ» (دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۴). شایان ذکر است که در باورهای هندوایرانی، نخستین انسان جمشید است اما پس از جدا شدن نژاد هندوایرانی، صفت کیومرث در مفهوم زنده‌ای که می‌میرد جای نام جم را می‌گیرد (واشکانی فراهانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۷). در روایات پهلوی آمده که اورمزد از گلی که کیومرث را خلق کرده بود، مردمان دیگر را آفرید (دریایی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶). در ایران باستان اعتقاد بر آن بود که گوهر آسمان و جسم کیومرث از فلز سرشته شده است؛ «کیومرث می‌میرد و از تنش، انواع فلزات و همه‌ی مردم، نران و مادگان، به وجود می‌آید... سرشت هفت طبقه کیهان از فلز است و سرشت مردمان از خاکی که نبات و حیوان را بر می‌آورد و کیومرث، بالقوه و بالفعل، حامل هر دو سوی این جغرافیای اساطیری (زمین و آسمان) است. این دیدگاه به کیهان‌گونگیانسان و از منظر دیگر، به انسان‌گونگی کیهان و در روح خود، به خداگونگی جوهر وجودی انسان منجر می‌شود» (فائمی، ۱۳۹۱، ص ۴۳-۴۴). دوگونه باوری یعنی تن فلزی و کالبد خاکی کیومرث برگرفته از باور مردمان در دو دوره مختلف باستان‌شناسی می‌باشد. در دوره نوسنگی که بشر با سفال‌گری آشنا می‌شود و ظروف سفالین را می‌سازد، جسمی خاکی برای کیومرث قائل می‌شود چون خاک برای کیمیا است. اما در عصر آهن برای کیومرث وجود فلزین

متصور می‌شوند (اردستانی، ۱۴۰۱، ص ۲۵). در متون اسلامی چون طبقات ناصری از منهج‌الدین سراج جوزجانی، کیومرث ملک‌الطین به معنای گل‌شاه خوانده می‌شود (جوزجانی، ۱۳۴۳، ص ۱۳۳). همچنین کیومرث را گرشاه نیز می‌خوانند، «گرشاه به معنی شاه کوهستان است. برخی متون پهلوی هم کیومرث را نخستین شاهی می‌دانند که در کوه زندگی می‌کرده است. کوه جایگاه خدایان، به کیومرث چهره‌ی قدسی داده است» (ضیاء‌الدینی دشت‌خاکی و پورخالقی چترودی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۹). کیومرث اولین شاه موبدی است که منزلت عرفانی وی در اسناد باستانی موجب آن شده است که وی را عارف بدانند (پورنامداریان، ۱۳۹۰، ص ۱۶). کارل گوستاو یونگ نیز کیومرث را پادشاهی مقدس می‌نامد (یونگ، ۱۳۸۳، ص ۳۱). در اوستا، کیومرث اولین موجودی است که از دستورات اهورامزدا اطاعت می‌کند و دین‌دار می‌شود در نامه‌ی دین‌کرد چنین از وی یاد می‌شود: «آن نخستین پذیرنده‌ی دین از دادار، کیومرث است که بن مردم است. او به کنش دین در جهان و سامان بخشی و آراستن و رواج بخشیدن آفریدگان، نخستین گل‌شاه بود.» (بهار، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹) کیومرث به عنوان یک انسان که هم روح دارد و هم نفس از عالم زمین به ملکوت عروج می‌کند (کرین، ۱۳۷۴، ص ۸۳). رابرت چارلز زرنر متخصص و پژوهشگر ادیان شرقی بریتانیایی معتقد است کیومرث عالم صغیر<sup>۵</sup> است در مقابل زروان عالم کبیر<sup>۶</sup> می‌باشد (Zaehner, 1961, p. 238). مقام عرفانی کیومرث زمینه شکل‌گیری فرقه کیومرثیه شاخه‌ای از زرتشتی‌گری می‌شود (ضیاء‌الدینی دشت‌خاکی و پورخالقی چترودی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۷). «وجه غالب اسطوره‌ی کیومرث دینی است، چرا که در اعصار کهن فرقی میان عمل گیتیانه و آیین مقدس نبود و به این دلیل قلمرو غیر دینی وجود نداشت. هر کس روحانی بود و هیچ چیز بیرون از قداست نبود.» (همان، ص ۲۴۰). «ارتباط کیومرث با سروش، بهره‌مندی این شخصیت اسطوره‌ای از فره و ارتباط او با خورشید را می‌توان زمینه‌های اصلی تقدس کیومرث و شکوه معنوی او دانست.» (ضیاء‌الدینی دشت‌خاکی و پورخالقی چترودی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۷) کیومرث در زمزه<sup>۷</sup> اسطوره‌های خورشید محور است که جریان طلوع، اوج و غروب خورشید چون الگویی برای

فرهنگی یاد می‌شود (Budini, 2004, p. 213-298). زیرا او نخستین آفریدگار است و زندگی اجتماعی از او آغاز می‌شود، اولین دین‌آورنده نیز اوست، اولین فردی که می‌میرد نیز اوست.

#### ۱-۲. کیومرث در شاهنامه

فردوسی در اثر خویش کیومرث را نخستین پادشاه می‌نامد و آغاز پادشاهی او را همزمان با فرارسیدن بهار و ورود خورشید به برج بره ذکر می‌کند (قائمی، ۱۳۹۱، ص ۴۲).

«که خود چون شد او بر جهان کدخدای

نخستین به کوه اندرون ساخت جای

سر تخت و بختش برآمد ز کوه

پلنگینه پوشید خود با گروه»

(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ص ۲۱)

آن‌طور که از متن شاهنامه هویداست، کیومرث در کوه جایگاهی برای خویش می‌سازد و همراه با گروه، پوششی پلنگینه بر تن می‌کنند. کیومرث در شاهنامه صاحب پسری می‌شود به نام سیامک، سیامک که با بچه دیوی به نام خزوران به جنگ می‌رود به دست بچه دیو کشته می‌شود. چون کیومرث سالی را در سوگ فرزند خویش می‌نشیند:

«شستند سالی چنین سوگوار

پیام آمد از داور کردگار

درود آوردندش خجسته سروش

کزین بیش مخروط و باز آرز هوش

سپه‌ساز و برکش به فرمان من

برآور یکی گرد از آن انجمن»

(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ص ۲۴)

سیامک را پسری است هوشنگ نام که از طریق او نسل کیومرث زنده می‌ماند (صافی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۶). بدینسان کیومرث به فرمان سروش لشگری را گرد هم می‌آورد و هوشنگ را در جلوی سپاه و خود در پشت لشکر، نبرد را هدایت می‌کند و پیروز میدان می‌شوند؛ فردوسی پایان زندگی کیومرث را پس از پیروزی در دادخواهی جان سیامک، رقم می‌زند و سرگذشت پادشاهی هوشنگ آغاز می‌شود.

کیومرث می‌باشد (نامورمطلق، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۱۱۳). ریشه ارتباط کیومرث با خورشید را چنین می‌توان تشریح نمود: خورشید گیاه را در خاک جان می‌دهد (واشقانی فراهانی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۵). کیومرث در خرداد روز (روز ششم) ماه فروردین آفریده می‌شود، ایزد گیاهان و آب‌ها نیز خرداد است. ناهید نیز ایزد آب‌ها و گیاهان می‌باشد. (واشقانی فراهانی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۲). «در هنگام تولد و نشو و نمایش آب‌ها و گیاه‌ها شادمان شدند. در هنگام نشو نمایش آب‌ها و گیاه‌ها بالیدند. در هنگام تولد و نشو و نمایش همه آفریدگان خرد مقدس به خود مزده رستگاری دادند» (یشت‌ها، ۱۳۷۷، فروردین یشت، فقره ۹۵). تعلق کیومرث به جنس گیاه در بخش نخست نامش هویداست. «گیه» در معنای جان و زندگی که هم‌ریشه با واژه گیاه است؛ ایرانیان کشاورز چون زندگی مردم و گوسفندان با گیاهان مرتبط می‌دانستند بنابراین گیاه زندگی بخش بود (واشقانی فراهانی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۲).

در مورد ظاهر کیومرث این چنین ذکر شده است: «نخستین انسان در اسطوره‌های ایرانی، به صورت مردی همچون خورشید با قامتی به بلندای چهار نای و پهنایی برابر قامت تصور شده است» (مدرسی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳). چهار نای معادل با یک متر و نود سانتیمتر است. کیومرث در دوره‌ای آفریده می‌شود که اهریمن به واسطه خوانش دعای «اَهونور» توسط اورمزد حدود سه‌هزار سال بیهوش شده است. چون سه‌هزار سال بیهوشی به پایان می‌رسد، او چون ماری بر زمین هویدا می‌شود و آفت بر همه زمین می‌زند. اورمزد، کیومرث را به خواب می‌برد تا تاب آورد. چون کیومرث بیدار می‌شود جهان تاریک را می‌بیند. اهریمن دیو مرگ را به سمت کیومرث می‌فرستد، اما حیات کیومرث از ابتدا سی سال رقم خورده است؛ بنابراین کیومرث سی سال می‌زید (مدرسی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳). چون زمان مرگ کیومرث رسید «به سوی نیمروز به طرف چپ افتاد، نخست نیز آن پای چپ را برهم بزد. هرمزد آن تن او را برگرفت و به خورشید سپرد که این روشنی خورشید است که بر جهان تابد» (دادگی، ۱۳۶۱، ص ۷۵). از منظر کیش مزدینی، کیومرث در روز رستاخیز اولین کسی است که برانگیخته می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴). از کیومرث در مطالعات انسان‌شناسی به عنوان قهرمان



تصویر ۱. پادشاهی کیومرث (شاهنامه ۹۵۳ ه. ق. پاریس: ۱۷۲)

### ۳. کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق. پاریس

شاهنامه ۹۵۳ ه. ق. پاریس مربوط به دوره حکمرانی شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی حدود سال ۹۳۰ ه. ق. با مقدمه معروف «بایسنقری» در صفحات ۳۷ تا ۱۴۲ آغاز شد و در حدود سال ۹۸۸ ه. ق. نگارش آن پایان یافت (ریشار، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷). شاهنامه مزبور پس از تصرف اصفهان به دست افغانه توسط «ژان لوتر» در ۱۱۵۲ ه. ق. خریداری شده است (همان). هم‌اکنون در کتابخانه ملی پاریس با کد شناسایی SUPP. PERS. 489- 1513 نگهداری می‌شود. سومین نگاره در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق. پاریس تصویری از بارگاه کیومرث در کوهستان است. آنچه از تصویر آشکار است، هنرمند نگاره مذکور با توجه متن شاهنامه اینگونه هنرنمایی کرده است (تصویر ۱).

«دد و دام و هر جانور که شش بدید  
ز گیتی بنزدیک او آرمید...  
به رسم نماز آمدندش پیش  
از آنجایکه برگرفتند کیش»  
(خالقی مطلق، ۱۳۶۶، ص ۲۲)

### ۳-۱. توصیف نگاره

نگاره در کادری مربع شکل تصویرگری شده است و فضای کل آن را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. بخش اول که حدود یک سوم کل فضای نگاره را تشکیل می‌دهد در بالا قرار دارد و گویی فضای اطراف صحنه اصلی را نشان می‌دهد. در این بخش یک درخت کوچک در سمت راست به حالت منحنی که شاخه‌هایش به بیرون از کادر سمت راست، رفته است. درختی بزرگ نیز به حالت عمود و پر از برگ‌های پنجه‌ای شبیه درخت چنار در سمت چپ نگاره کشیده شده و قد آن از بالای کادر بیرون زده است. در این فضا دو پیکره که تنها سر و سینه آنان مشاهده می‌شود در سمت راست و چپ قرار دارند.

بخش دوم با مرزی از تپه‌های رنگین که برخی از آنان شبیه کله حیوانات می‌ماند از بخش اول جدا شده است. رنگ سرد بخش دوم با مرز تپه‌ای، فضای کوهستانی را تداعی می‌کند

جدا می‌ماند و همچون چاکی نمایان می‌باشد. اطراف آستین و یقه و چاک جلوی لباس، خزدوزی شده است. طرح پارچه بالاپوش در نگاه اول شبیه پوست ببر است اما با دقت به طرح آن، گل‌های ریزی مشاهده می‌شود؛ چنین طرحی روی پوست یوزپلنگ نیز قابل رویت است (تصاویر ۲ و ۳). دور کمر نیز بندی باریک بسته شده است. در مورد پیراهن نیز با توجه به طرح لباس ظاهراً پیراهنی است تا خط کمر که آستین‌های بلند چسبان به رنگ قهوه‌ای دارد. شلوار نیز هم‌رنگ پیراهن و قد آن تا ساق پا و به صورت چسبان می‌باشد. کلاه کیومرث مخروطی شکل منقوش به طرح پارچه بالاپوش است و دور لبه آن خزی دیده می‌شود (تصویر ۲).



تصویر ۲. پوشش کیومرث

که با آنچه در متون از محل زندگی کیومرث توصیف شده هماهنگ می‌باشد. پایین فضای کوهستانی را نواری از سبزه و جویی که احتمالاً جوی آب است دیده می‌شود. شاخه گلی در سمت چپ از سبزه‌ها به فضای کوهستان روییده است. دوازده پیکره در فضای کوهستانی قرار دارند یک پیکره تقریباً در مرکز نگاره بر روی تخته سنگی رنگی نشسته است. محل قرارگیری پیکره در مرکز نگاره نشانی از شخصیت کیومرث می‌باشد. در سمت راست او پیکره‌ای به حالت نیمه ایستاده که چوبی در دست دارد و سرش به سمت کیومرث خمیده شده، نمایان است. در سمت چپ و کمی پایین‌تر از کیومرث پیکره‌ای با چهره ریش‌دار نشسته که گویی مخاطب اصلی اوست. کمی بالاتر و پشت پیکره یاد شده پیکره‌ای نشسته دیگر قرار دارد که سرش رو به بالا و به سمت سردیس پیکره سمت چپ بخش اول است. پایین پای او نیز یک نفر که دستانش را روی یکدیگر گذاشته به حالت ایستاده دیده می‌شود. در مقابل دیدگان این پیکره در سمت راست نگاره، پیکره‌ای نیمه نشسته است و جامی در دست دارد و قدحی نیز روبرویش بر زمین می‌باشد. در بالای این فرد، پیکره‌ای ایستاده که دستی به سینه و دستی به کمر زده است. پیکره‌ای نیز کنارش نشسته که سرش به سوی اوست. دو پیکره نشسته دیگر نیز در سمت راست قرار دارد که جمع پیکره‌های سمت راست را به پنج تن می‌رساند. دو پیکره نیز در بالای سبزه‌ها به طوری که تنها پشت آن‌ها و نیم‌رخ‌شان هویداست نشسته‌اند. دو غزال نر و ماده، شیر، روباه، خرس، یوزپلنگ و موجودی شبیه کفتار نیز در مقابل کیومرث در میان جمع پیکرها قرار دارند.

### ۳-۲- توصیف پوشش

پوشش پیکره‌های نگاره بارگاه کیومرث شامل جامگان و پوشش سری در غالب کلاه می‌باشد. در مجموع پوشش چهارده پیکر موجود در نگاره را چنین می‌توان توصیف کرد:

#### پوشش کیومرث

جامگان او شامل بالاپوش، پیراهن و شلوار است؛ بالاپوشی تا بالای زانو با آستین کوتاه و یقه هفتپوشیده است که درزی در جلو دارد و نمایانگر جلو باز بودن آن می‌باشد که به وسیله دکمه‌های ریزی بسته شده و از خط کمر دور طرف از یکدیگر

### پوشش مرد چوب به دست

لباسی با طرح پوست پلنگ و قدی بلند یقه هفت باز و آستین کوتاه که دور آستین و یقه خزدوزی شده است. قد لباس تا مچ پا می‌رسد و تسمه‌ای دور کمر بسته شده است. کلاه او نیز مخروطی می‌باشد که منقوش بهنقش پارچه کلاه کیومرث و تنها در لبه جلو نواری از خز دارد (تصویر ۵). سه پیکره سمت راست نگاره و پیکره نشسته سمت چپ نگاره نیز جامگانی مشابه مرد چوب به دست دارند فقط رنگ و طرح پارچه آن متفاوت است و کلاه هر سه آن‌ها مخروطی و خزی در دور لبه کلاه دیده می‌شود. در این میان فرد بالاتر کلاهی مزین به نقش کلاه کیومرث بر سر دارد (تصویر ۱).



تصویر ۳. پوست یوزپلنگ

### پوشش مرد روبروی کیومرث

بالاپوشی با طرح پوست پلنگ است که قدی تا بالای زانو دارد. در جلوی لباس او درزی همچون بالاپوش کیومرث نمایان است. یقه لباس هفت و خزی دور آن دیده می‌شود. آستین لباس نیز آزاد تا حوالی ساعد دست می‌باشد. دور کمرش نیز شالی باریک از طرح پارچه لباس کیومرث به صورت پیچان بسته و در جلو گره زده و دنبال آن آویز می‌باشد. کلاه او نیز به صورت مخروطی ترک‌دار با پارچه مشابه کلاه کیومرث طرح ببری دارد و لبه کلاه خزدار است (تصویر ۴).



تصویر ۵. پوشش مرد چوب به دست



تصویر ۴. پوشش مرد روبروی کیومرث



تصویر ۷. مرد ایستاده در سمت چپ نگاره

پوشش مرد نشسته در سمت راست نگاره پایین‌تر از مرد چوب به دست پیکره‌ای نشسته است که ظاهراً طرح لباس او نیز پوستین می‌باشد. قد لباس بلند است و یقه لباس هفت باز و آستین لباس آزاد و بلند دیده می‌شود. در لبه پایین لباس و آستین و یقه نیز خزدوزی شده است. او نیز در کمر شالی باریک به صورت پیچان بسته است. کلاه او مخروطی و تنها در لبه جلو خز دارد (تصویر ۶).



تصویر ۶. پوشش مرد نشسته سمت راست نگاره

#### پوشش مرد نشسته در پایین نگاره

در پایین نگاره، مردی پشت به بیننده نشسته است که بالاپوشی آستین کوتاه بر تن دارد. درزی در مرکز پشت بالاپوش دیده می‌شود. دور آستین خزدوزی شده است. با توجه به تصویر ظاهراً پیراهنی نیز در زیر بالاپوش بر تن دارد که آستین آن آزاد و قدی تا ساعد دست دارد. دور این آستین نیز نواری از خز مشاهده می‌شود. شالی باریک پیچان نیز دور کمر دارد. کلاهی پوستی نیز به صورت مخروطی گشاد بر سر پیکره نمایان است (تصویر ۸).

#### پوشش مرد ایستاده در سمت چپ نگاره

پیراهنی تا حوالی ساق پا با درزی که به چاک در جلوی لباس منتهی می‌شود، یقه لباس هفت باز است و آستین آن کوتاه می‌باشد. دور یقه و آستین و پایین پیراهن و قسمت چاک جلوی لباس خز دارد. نوع پارچه آن مشابه بالاپوش تن کیومرث است. کلاه نیز مخروطی و لبه جلو آن برگردانی از خز دارد (تصویر ۷).

بر اساس جدول شماره ۲، کلاه‌ها تنوع کمتری نسبت به جامگان دارند. و همگی از یک شکل عمده برخوردار هستند فقط برخی از آن‌ها دارای خز در سرتاسر لبه کلاه و برخی دیگر تنها در جلو کلاه و دو مورد نیز بدون خز مشاهده می‌شوند. خز کلاه یا نداشتن خز می‌تواند بیانگر این باشد که همه کلاه‌ها از جنس پوست و داخلش از جنس خز است که برخی از آن‌ها لبه داخل را به سمت بیرون برگرداندند تا لبه سرتاسر کلاه خردار دیده شود. اما برخی دیگر تنها لبه جلو را به سمت بیرون برگردانده‌اند. و همچنین در دو مورد خز در داخل کلاه پنهان مانده است. در میان فرم‌های یاد شده، کلاه فرد مخاطب کیومرث دارای ترک می‌باشد؛ با توجه به تاریخ مصورسازی نسخه ۹۵۳ ه.ق پاریس در عهد صفوی ممکن است کلاه وی نمادی از کلاه دوازده ترک قزلباشان باشد.

نگاره بارگاه کیومرث نگاره‌ای تک‌ساحتی است که تنها به موضوع پادشاهی کیومرث اشاره می‌کند، مواردی چون صخره‌های پس‌زمینه، سنگی بودن تختگاه کیومرث، جمع شدن دسته‌ای از حیوانات در میان حلقه‌ای انسانی و لباس‌های پوستین پیکره‌ها نمایشی از توصیفات فردوسی در مورد زندگی اجتماعی دوران کیومرث است؛ چهره‌نگاری شخصیت کیومرث با صورتی بدون ریش در مقابل پیکر مرد ریش‌دار روبروی او، بیشتر تداعی کننده سن کم کیومرث است که با متن باستانی: «هرمزد آن خواب را به تن مرد بلند پانزده ساله روشن فراز آفرید» (رسولی، ۱۳۹۲، ص ۳۳) هماهنگ است. گویی نگارنده هم به متن شاهنامه و هم به متون زروانی واقف بوده است. شایان ذکر است که نگارگری روایی را در تصویرسازی نسخ نباید نادیده گرفت. با نگاه به نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه تهماسبی (تصویر ۹) بازتاب نگارگری روایی مشاهده کرد؛ شخصیت روبروی کیومرث که به صورت شخصیت قالبی، از شاهنامه تهماسبی به شاهنامه



تصویر ۸. پوشش مرد نشسته در پایین نگاره

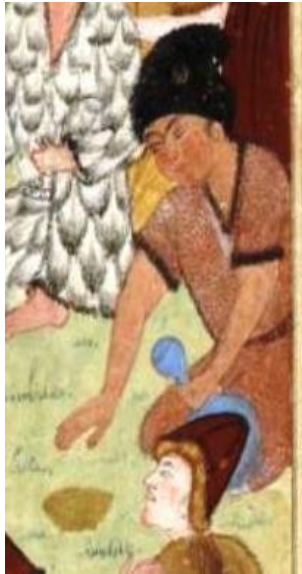
چهار پیکره دیگر به صورت نیمه و تنها تا سینه آن‌ها قابل رویت است و یقه لباس آن‌ها مزین به نقش بالاپوش کیومرث با یقه هفت باز خردار و کلاه آنان نیز مخروطی با لبه خز می‌باشد (تصویر ۱).

#### ۴. تحلیل یافته‌ها

پوشش پیکره‌ها بر اساس آنچه در نگاره مشهود است شامل دو بخش جامگان و پوشش سر می‌شود که جامگان شامل بالاپوش - پیراهن و شلوار است (جدول ۱ و ۲).

بر اساس مطالب جدول ۱، حدود ۶ فرم اصلی جامگان برای پیکره‌های نگاره بارگاه کیومرث تفکیک شد که در این میان جامگان کیومرث به دلیل متشکل بودن از بالاپوش - پیراهن و شلوار و تسمه دور کمر کامل‌تر از باقی پوشش پیکره‌های نگاره است؛ پیکره‌های دیگره نگاره بدون شلوار طراحی شده‌اند. شایان ذکر است که پیکره مخاطب کیومرث از زانو به پایین برهنگی پاهایش قابل رویت است اما دیگر پیکره‌ها به دلیل بلند بودن قد بالاپوش‌ها برهنگی پایشان مشاهده نمی‌شود یا از ساق پا نمایان است. همچنین به غیر از کیومرث، پیکره نشسته در پایین تصویر نیز علاوه بر بالاپوش، پیراهن نیز دارد و باقی پیکره‌ها بدون پیراهن دیده می‌شوند. آنچه در میان همه انواع جامگان نگاره مشترک می‌باشد، خز دور یقه بالاپوش‌ها است.

دست خدمتکار و باقی حلقه‌ای از اطرافیان کیومرث هستند که به دور او نشسته‌اند و دو نفر نیز در پشت صخره نگهبانی می‌کنند. با توجه به موارد یاد شده می‌توان پوشاک در نگاره مزبور را از منظر منزلت افراد تقسیم‌بندی نمود (جدول ۳).

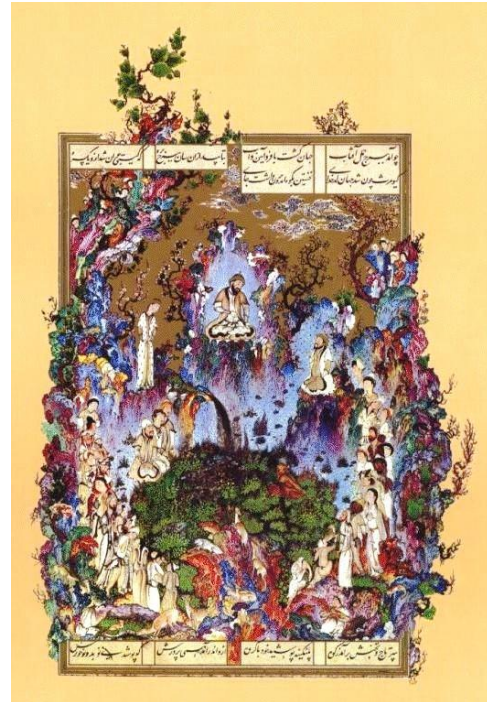


تصویر ۱۰. مرد دست به سینه و کمر



تصویر ۱۱. مرد جام به دست

۹۵۳ ه.ق پاریس منتقل شده است. این نکته در مورد نوع پوشش پلینگینه کیومرث و اطرافیان نیز صدق می‌کند.







تصویر ۹. بارگاه کیومرث در شاهنامه  
تهماسبی (Canby, 2011, p. 27)

در نگاره شاهنامه ۹۵۳ ه.ق پاریس چهارده پیکره به چند دسته کلی از منظر نوع رفتار تقسیم می‌شوند. عده‌ای نشسته‌اند و دو نفر ایستاده هستند. دو نفر ایستاده دستانشان را بر روی تن خویش قرار داده‌اند (نگ به تصویر ۷) و (تصویر ۱۰) گویی دست به سینه به منظور احترام هستند. در میان افراد نشسته نیز دو نفر نیم خیز می‌باشند که یکی چوب بدست دارد (تصویر ۵) و دیگر جامی را به سمت قدحی کج کرده است (تصویر ۱۱). یک پیکره نیز بر روی تخته سنگی نشسته است که بی‌شک کیومرث می‌باشد. نه پیکره دیگر شامل دو نفر در پشت صخره و باقی بر روی زمین بی‌هیچ ابزاری در دست‌نشانده‌اند. بنابر آنچه ذکر شد چنین هویداست که کیومرث در مقام پادشاه، دو نفر ایستاده خدمه ویژه، دو نفر اشیاء به

جدول ۱. پراکندگی نوع جامگان در پیکرها (نگارنده)

تصویر پوشش	اجزای جامگان	خزدوزی	پیکره	موارد مشابه
	یالایوش پیراهن آستین بلند چسیان شلوار تا ساق یا تسمه دور کمر	یقه یالایوش آستین یالایوش جلو یالایوش	کیومرث	ندارد
	یالایوش تا زانو و آستین تا ساعد شال کمر پیچان	دور یقه	مخاطب کیومرث	ندارد
	یالایوش تا مچ یا آستین کوتاه تسمه کمر	دور یقه لیه آستین	مرد چوب یدست	۴ پیکر دیگر
	یالایوش بلند تا مچ یا آستین بلند گشاد	دور یقه دور آستین حاشیه پایین لباس	مرد نشسته سمت راست	ندارد
	یالایوش تا ساق یا آستین کوتاه	دور یقه دور آستین جلو یالایوش	مرد ایستاده سمت چپ	ندارد
	یالایوش آستین کوتاه پیراهن رو آستین تا آرنج گشاد	دور یقه دور آستین یالایوش دور آستین پیراهن	مرد نشسته در پایین	ندارد

جدول ۲. کلاه در نگاره بارگاه کیومرث (نگارنده)

تصویر	مشخصات	پیکره	موارد مشابه
	کلیگی شکل خز سرتاسر لبه	کیومرث	۷ پیکره دیگر
	کلیگی شکل خز سرتاسر لبه ترک‌دار بودن	مخاطب کیومرث	ندارد
	کلیگی شکل خز در لبه جلو	مرد چوب بدست	۲ پیکره دیگر
	کلیگی شکل	مرد نشسته در پایین	۱ پیکره دیگر

جدول ۳. پوشش مراتب اجتماعی در نگاره بارگاه کیومرث (نگارنده)

جامگان				پوشش سر	مرتبه اجتماعی
کمر بند	پیراهن	بالاپوش	شلوار		
✓	✓	✓	✓	✓	پادشاه
✓	یک نفر دارد	✓	-----	✓	اطرافیان
✓	-----	✓	-----	✓	خدمه ویژه
✓	-----	✓	-----	✓	خدمتکاران
✓	-----	✓	-----	✓	نگهبانان



تصویر ۱۳. تن‌پوش خز آناهیتا (افخمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۴۰)

«آناهیتا الههٔ آب از همه بیشتر به پهلوانان حماسی نزدیک بوده و به درخواست‌های آنان پاسخ مثبت می‌داده است» (امیدسالار، ۱۳۶۲، ص ۴۵۲). بنابراین کیومرث و دیگر پیکرهای همراهش همچون رستم و آناهیتا همگی بالاپوشی از خز دارند و همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد «در اعصار کهن فرقی میان عمل گیتیانه و آیین مقدس نبود و به این دلیل قلمرو غیر دینی وجود نداشت. هر کس روحانی بود و هیچ چیز بیرون از قداست نبود.» (ضیاءالدینی دشت‌خاکی و پورخالقی چترودی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۷). بر اساس این موارد می‌توان چنین برداشت کرد جمعیتی که کنار کیومرث در نگاره وجود دارند مربوط به همان قلمروی دینی و مقدس هستند.

بر اساس جدول بالا چنین مشهود است که تمایز پوششی در میان مراتب اجتماعی بارگاه کیومرث به صورت چشمگیری وجود نداشته بلکه تنها پادشاه دارای پوشش کامل شلوار-بالاپوش - پیراهن - کمر بند و کلاه است و باقی دارای بالاپوش- کمر بند و کلاه می‌باشند البته تنها پیکره نشسته در پایین تصویر دارای پیراهن نیز است.

در ادامه باید ذکر نمود که پوشش پیکره‌های نگاره بارگاه کیومرث مشابه خفتان ببر بیان رستم در نسخه مذکور است. (تصویر ۱۲) شایان ذکر است که در اوستادر آبان یشت، آناهیتا الهه آب‌ها با لباس و آستین‌هایی بلند توصیف شده که روی لباس در زیر سینه، بندی بسته و بر روی این ردا، تن‌پوشی از خَز بر شانه‌ها افکنده است (Gropp, 1996, p.752) (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲. ببر بیان رستم در شاهنامه ۹۵۳ ه. ق. پاریس

## نتیجه‌گیری

پایین نگاره نیز به چشم می‌آید. ابیات مذکور، داستان سیامک و بچه دیو را در خود دارند که در نهایت سیامک کشته می‌شود و هوشنگ بعد از دادخواهی جان پدر و مرگ کیومرث بر تخت می‌نشیند. بنابراین سیامک که فقط در مقام یک شاهزاده می‌باشد احتمال می‌رود که فرد مقابل کیومرث است که تنها بالاپوشی با آستینی بلندتر از دیگر بالاپوش‌ها برتن کرده است. فرد نشسته در پایین نگاره نیز هوشنگ می‌باشد که روزی بر تخت شاهی می‌نشیند و بدین‌سان هنرمند او را نیز چون کیومرث پیراهنی بخشیده اما چون هنوز به مقام شاهی نائل نگشته آستین پیراهن تا ساعد طراحی شده است. شباهت جنسیت پوشش پیکره‌ها با ببریان رستم و بالاپوش خز آن‌ها نیز برگرفته از قداست کیومرث و پیروان او می‌باشد. رستم و کیومرث هر دو اسطوره هستند و هر دو پهلوان و آن‌ها الهه‌ای که پهلوانان را یاری می‌کند. بر اساس موارد یاد شده چنین می‌توان نتیجه گرفت که هنرمند نگاره، بارگاه کیومرث با توجه به نگارگری روایی و متن شاهنامه، بارگاه کیومرث را به تصویر کشیده است با آنکه در کلام فردوسی کیومرث و اطرافیان پلنگینه می‌پوشند اما هنرمند منزلت کیومرث را ارج نهاده و او را از منظر پوشش به جامگانی کامل ملبس ساخته است تا مرتبه، والای او حفظ و نمایان شود. همچنین هنرمند به منزلت وجودی سیامک (شاهزاده) و هوشنگ (شاه بعدی) نیز اهمیت داده و آن دو را نیز با توجه به مرتبه، هر یک جامگانی متفاوت بخشیده است. نگاره مزبور نمادینه بودن پوشاک در هنر نگارگری صفویه را هویدا می‌سازد.

## پی‌نوشت

- 1- Gayō - maretan
- 2- Gayōmart
- 3- Gyhmward
- 4- Gēhmurd
- 5- Microcosm
- 6- Macrocosm

نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه ۹۵۳ ه.ق نگاره‌ای تک ساحتی است که در آن چهارده پیکره ملبس به پوشش سر و جامگانی پوستین هستند. هنرمند نگاره، مزبور طبق متن شاهنامه، فضا سازی موضوع را از کوهستان، حیوانات، جمعیتی که به پیش‌گاه کیومرث نماز آورده‌اند را به تصویر کشیده است. بر اساس بررسی‌های انجام شده جامگان اصلی پیکره‌ها بالاپوشی با قدهای متفاوت و آستین‌های کوتاه و کمربندی بر دور کمر می‌باشد؛ اما جامگان کیومرث که بر تختگاهی از جنس سنگ نشسته است علاوه بر بالاپوش و کمربند، شامل پیراهن آستین بلند و شلوار کوتاه نیز می‌شود. این نوع تصویرگری جامگان نشانی از کامل بودن پوشاک از منظر پوشاندگی است. به غیر از کیومرث یک پیکره دیگر نیز که پشت لباسش نمایان می‌باشد پیراهنی با آستینی تا ساعد در زیر بالاپوش برتن دارد. همچنین پیکره نشسته در روبروی کیومرث نیز آستین بالاپوشش بر خلاف دیگران بلند تا ساعد می‌باشد. همانطور که در بخش پیشین ذکر شد برخی از پیکره‌ها نشسته و برخی مشغول به کاری هستند که در واقع مراتب مختلف اجتماع بارگاه کیومرث را نمایان می‌سازند: شاه، خدمه، ویژه، غلامان و مهمانان افراد این بارگاه هستند و بالاپوش و کلاه جزء اصلی پوشاک پیکره‌ها است و خدمه، غلامان و مهمانان هر سه گروه، پوشاک مشابه یکدیگر از منظر فرم بر تن دارند فقط تنوعی در قد بالاپوش در میان افراد مزبور وجود دارد. شاه که فرد عالی‌رتبه است جامگانش از منظر پوشش کامل‌تر می‌باشد که این امر بر اساس منزلت روحانی کیومرث قابل تطبیق است. اما تفاوت قد آستین بالاپوش پیکره، مرد روبروی کیومرث و پیراهن مرد نشسته در پایین تصویر چه ارتباطی با منزلت پیکره‌ها دارد؟ براساس شواهد یاد شده در فرم پوشاک پیکره‌ها و همچنین متن داستان کیومرث در شاهنامه و نگارگری روایی چنین برداشت می‌شود که یکی از آن دو سیامک و دیگری هوشنگ است. تمایز پوشش این دو نیز برگرفته از منزلت این دو در متن شاهنامه می‌باشد؛ نام سیامک به عنوان پسر کیومرث در ابیات

## کتاب‌نامه

- اردستانی، رستم. (۱۴۰۱)، *جستاری درباره اسطوره‌های ایرانی و گفتارهایی دیگر در پیوند با ادب حماسی*. تهران: نگاه.
- افخمی، بهروز و صبا فرج‌زاده و مهدی حسینی‌نیا. (۱۳۹۵). «بازنمایی الهه آب‌ها در شواهد باستان‌شناختی». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۸، شماره ۲، تابستان. صص ۲۲۵-۲۴۸.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۶۲). «ببر بیان». *ایران‌نامه*. شماره ۳، صص ۴۴۷-۴۵۸.
- آل ابراهیم دهکردی، صبا و اشرف‌السادات موسوی‌لر. (۱۴۰۲). «بازنمود عناصر و مفاهیم هستی در نگاره بارگاه کیومرث شاهنامه تهماسبی». *نشریه مطالعات هنر اسلامی*. ۲۰ (۵۰)، صص ۷-۲۳.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگاه.
- بهدانی، مجید. (۱۳۹۳). *بارگاه کیومرث بررسی تطبیقی عناصر بصری هفت نگاره با موضوع واحد نگارینه هنر اسلامی*. شماره ۳، صص ۴۲-۹۵.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۰). *عقل سرخ: شرح و تأویل داستان‌های زندی سهروردی*. تهران: سخن.
- جوزجانی، منہاج‌الدین سراج. (۱۳۴۳). *طبقات ناصری*. تصحیح عبدالحی حبیبی. افغانستان: کابل.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۶۶). *شاهنامه فردوسی*. جلد ۱، به کوشش احسان یارشاطر. نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- دادگی، فرننگ. (۱۳۶۹). *بندمشن*. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- دریایی، تورج. (۱۳۸۲). *تاریخ و فرهنگ ساسانی*. ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی. تهران: ققنوس.
- رسولی، آرزو. (۱۳۹۲). «داستان آفرینش از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی». *تاریخ ایران*. شماره ۷۳/۵، صص ۲۷-۴۲.
- رمضان کیایی، محمدحسین و ایمان منصوب بصیری. (۱۳۸۸). «تطبیق شخصیت‌های اساطیری ائید و شاهنامه». *پژوهش زبان‌های خارجی*. شماره ۵۴، پاییز. صص ۱۰۷-۱۲۶.
- صافی، حامد و فرزاد قائمی و سمیرا بامشکی و مه‌دخت پورخالقی چترودی. (۱۳۹۵). «بررسی داستان کیومرث در شاهنامه و تواریخ عربی متأثر از سیرالملوک‌ها براساس فزون‌متنیت ژنت». *متن‌شناسی ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*. سال هشتم، شماره ۱، پاییز ۲۹، صص ۱۷-۳۴.
- ضیاء‌الدینی دشتخاکی، علی و مه‌دخت پورخالقی چترودی. (۱۳۹۸). «بازخوانی اجتماعی اسطوره کیومرث با تکیه بر میدان
- فرهنگی ایران». *پژوهشنامه ادب حماسی*. سال ۱۵، شماره ۲، پاییز ۲۸، صص ۲۳۳-۲۵۳.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۱). «تحلیل اسطوره کیومرث در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران بر مبنای رویکرد نقد اسطوره‌شناسی». *جستارهای ادبی*. شماره ۱۷۶، صص: ۳۷-۶۵.
- کرین، هانری. (۱۳۷۴). *ارض ملکوت*. ترجمه ضیاء هشت رودی. تهران: طهوری.
- مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۴). «اسطوره کیومرث گل شاه». *نشریه علوم اجتماعی و انسانی*. دوره ۲۲، (۳) پاییز ۴، صص ۱۵۲-۱۶۴.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۲). *درآمدی بر اسطوره‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم. (۱۳۹۸). «تحلیل گیاه مردمان نخستین (جم، کیومرث و فریدون) در اساطیر هند و ایرانی با محوریت زندگانی کیومرث». *دو فصل‌نامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*. سال ۱۱، شماره ۳۷، پاییز و زمستان. صص ۲۱۳-۲۳۴.
- پور داوود، ابراهیم. (۱۳۷۷). *بشت‌ها*. تهران: اساطیر.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه*. ترجمه محمدعلی امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- ..... (۱۳۹۵). «تحلیل اسطوره کیومرث بر اساس نظریه روان‌شناسی شخصیت یونگ». *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی*. سال ۲۴، شماره ۸، بهار و تابستان. صص: ۲۷۳-۳۰۰.
- Boyce, M & Ronald Swanzinger. (1977). *A word list Manichean, middle Persian and Parthian*, Diffusion E.J Brill.
- Budin, Stephanie Lynn. (2004). *The ancient Greeks: new perspectives, (understanding ancient civilizations Handbooks to Ancient Civilizations)*. ABC-CLTO.
- Canby, Sheila R. 2011, *the Shahnama of Shah Tahmasp*, New Haven and London, Yale University Press
- Gropp, Berd. (1996). "Clothing v. in pre Islamic Eastern Iran", *Encyclopadia Iranica*, V/ 7, pp752 - 754.
- Zaehner, R.C. (1961). *The dawn and twilight of Zoroastrianism*, reprint Putnam.